

فرهنگستان

www.fdn.ir | Mon | 30 Dec 2019 | vol.10 | No. 2945 | 16 Pages

روزنامه خبری-تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
توران ۲۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

شماره مسلسل ۳۶۸۳
دوباره ۹ دی ۱۳۹۸
۳ جلدی اول ۱۴۴۱
۳۰ دسامبر ۲۰۱۹
شماره ۲۹۴۵

»»

«فرهنگستان» در آستانه آغاز سال ۲۰۲۰ میلادی شاخص‌های روشن اقتصادی ایران
به روایت مراکز معتبر جهانی را بررسی می‌کند، اعدادی که ممکن است خواننده
بعد از خواندن هر کدام از آنها پوزخندی بزند! اما واقعا چرا؟

کدام ایران؟

»»

۱۰ سال پس از حماسه...

دکتر طهرانچی در نخستین جلسه هم‌اندیشی برنامه ۵ ساله هفتم
دانشگاه آزاد اسلامی:

۹۵ دی؛ پایان حصر ایران

»»

دانشگاه مطلوب، دانشگاه اسلامی حکمت بنیان است

»»

گفت‌وگویی «فرهنگستان» با ۳ تن از اعضای هیات موسس
«مجمع نویسندگان و منتقدان سینمای انقلاب»



محتوا زده نیستیم

»»

فروش سینما و یک دلخوشی خیالی

برای امروز سینمای ایران و هو و جنجال به‌یادکن‌های فروش در سینمای این کشور باشد. سینمایی که دلخوش به گرمی گیشه چند سالن بالاشهر تهران است و مطلوبش جیغ و کف و هورا کشیدن‌های اکران‌های خصوصی است باید تصمیم بگیرد از پوسته‌ای که دور خودش پیچیده، خلاص شود. سینمایی که سال‌ها متهم به این شده که از واقعیات جامعه دور مانده، حالا در وضعیتی است که کوچک‌ترین واکنشی هم به کم شدن تعداد مخاطبان خودش ندارد. سینمای ایران در همین ۹ ماه اول سال، به لحاظ فروش، ۱۵ میلیارد تومان جلوتر از کل فروش سال گذشته شده است ولی این رقم فروش در حالی است که تعداد بلیت‌های فروش رفته همین ۹ ماه اول سال به نسبت ۹ ماه اول سال گذشته نزدیک به یک میلیون کاهش داشته است. این هم از عوارض سینمایی است که از اتفاقاتی که درونش می‌افتد یا بی‌خبر است یا خودش را به بی‌خبری زده. ۳- سینمای ایران در تمام این سال‌ها، به‌رغم ظرفیت‌هایی که در حوزه تولید به دست آورده، همچنان نمی‌تواند به توازنی صحیح بین تولید و نظام توزیع دست یابد. اگر زمانی به این ایراد می‌گرفتیم که چرا سینمای ایران دورنمایی بیش از مرزهای خودش ندارد و برای اکران فیلم در خارج یا حتی کشورهای همسایه، نظام دقیقی ندارد، حالا باید نگران این بود که سینمای ایران چرا فکری به حال مخاطبان داخل خطوط مرزی ایران نمی‌کند. البته وضعیت بفرنج اکران، عرضه‌هایی را هم برای بخش تولید داشته است. اکثر فیلم‌هایی که روی پرده ظاهر می‌شوند، بازگشت سرمایه ندارند. جمال ساداتیان، تهیه‌کننده «متری شیش و نیم» که فیلمش در رده دوم فروش فیلم امسال قرار گرفته است، چندی پیش در مصاحبه با رادیو، پرده از واقعیت تلخ تولید در سینمای ایران برداشت. او گفت: «از ابتدای امسال تاکنون تنها سه فیلم سینمایی سود کرده‌اند و دو فیلم به هزینه اولیه خود رسیده‌اند و مابقی فیلم‌ها همگی ضرر کرده‌اند. ما فیلم‌هایی داریم که حتی هزینه پخش خودشان را هم برنگردانده‌اند. ۱۰ میلیارد تومان هزینه ساخت متری شیش و نیم شد با سه میلیارد هزینه پخش فیلم که مجموعاً ۱۳ میلیارد تومان می‌شود، از طرف دیگر فیلم ما ۲۷ میلیارد تومان فروخت که با کسر مالیات بر ارزش افزوده ۲۴ میلیارد باقی ماند که نصف آن به سینماها و نصف دیگر آن به ما رسیده است.» البته این اظهارات ساداتیان در مورد ۶۱ فیلمی است که از ابتدای امسال اکران شدند. شاید با این اوصاف بتوان گفت سینمای ایران در بخش تولید به حال ورشکستگی رسیده است، اما جای این سوال باقی است که کدام بخش، این سینما را سرپا نگه داشته و ورود بخش خصوصی به سینمایی که بازگشت سرمایه ندارد یا چه هدف و برنامه‌ای است. سوالی که ممکن است پاسخش چند سال بعد در دادگاه‌های فساد اقتصادی داده شود.



معین احمدیان
دبیر گروه فرهنگی

۱- ما چه بخواهیم و چه نخواهیم نظام توزیع سالن‌های سینمای ایران در حال تغییر است و این تغییر و تحولات به نفع اکثریت جامعه ایرانی نیست. شدت این تغییر و تحولات از ۶ سال پیش شروع شده و عمده سالن‌های سینمای ایران در استان‌هایی همچون تهران و البرز متمرکز شده‌اند. بدتر اینکه توزیع همین سالن‌های سینمایی در شهرهای بزرگ شکل متوازنی ندارد. عمده دلیلش هم این است که سالن‌های سینمایی به‌عنوان یک فضای ویرتینی و تفریحی در کنار پاساژها و مال‌ها قد علم می‌کنند و این مجتمع‌های تجاری هم در نقاط خاصی از یک شهر متمرکز شده‌اند. برای بهتر دیده شدن این وضعیت، کافی است به آن چیزی که در ۹ ماه اول امسال برای سینمای ایران اتفاق افتاده، نگاه کنیم. ۱۰ سینمای پرفروش اول کشور، ۴۲ درصد از کل فروش ۹ ماه اول سال را در اختیار گرفتند و مابقی فروش بین ۲۷۲ سالن سینمایی دیگر تقسیم شد. هفت سینما از این ۱۰ سینمای پرفروش ایران در بالای شهر تهران ساخته شدند و عملاً شهرستان‌ها از متن اصلی فروش سینمای ایران دور افتاده‌اند. با این حال بین اهالی سینما برای زدن رکورد فروش، دعوا و جنجال است. پرویز پرستویی، بازیگر فیلم سینمایی «مطرب» که این‌اواخر در فضای مجازی، حمایتی تمام‌قد از این فیلم سینمایی دارد و هرگونه حمله به این فیلم را بدون جواب باقی نمی‌گذارد، در گفت‌وگویی که به‌تازگی با فریدون جیرانی داشته به دعوای پشت‌پرده بین تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان سینمایی برای زدن رکورد فروش اشاره می‌کند. واقعیت امروز سینمای ایران همین است که می‌بینیم و فریب رکورد فروش در حالی در رسانه‌ها بازتکرار می‌شود که عملاً شاهد این هستیم که بخش عمده جامعه از متن سینمای ایران حذف شدند.

۲- در گذشته، باورهای عجیبی درباره علت خورشید گرفتگی وجود داشته و هنوز هم در برخی قباایل وجود دارد. یکی از باورهای رایج این بود که اژدهایی در آسمان به سرخ خورشید می‌رود و آن را می‌بلعد و ساکنان قبیله با سروصدا راه انداختن، تلاش می‌کردند که اژدها، خورشید را پس بیندازد. البته که با تمام شدن خورشید گرفتگی هم فکر می‌کردند که سروصدا کردن هایشان کار درستی بوده و اژدها هم به خاطر همین فرار کرده است. اما واقعیت امر چیزی نبود که آنها فکر می‌کردند. کافی بود مردم همین قبیله به جای دیگری بروند تا ببینند که بدون سروصدا هم خورشید رفتگی تمام می‌شد یا اینکه یک بار ساکت می‌شدند تا بفهمند که هیاهوی آنها هیچ اثر وضعی بر خورشید گرفتگی ندارد. شاید این بهترین تجویز

فکری به حال شکاف ادراکی در جامعه کنیم

دارد. البته در رقابت‌های انتخاباتی معمولاً بین جناح‌های مختلف تفاوت چندانی در بلاگردن کاذب انتظارات وجود ندارد، طرح شعارهایی چون ایجاد پنج یا ۶ میلیون شغل یا چند برابر کردن یارانه‌ها و... از طرف کاندیداهای قوی دولت در همین انتخابات اخیر موبد این مطلب است. مساله مهم این است که این وعده‌ها عموماً ناظر به ایده‌ها و راه‌حل‌های روشن و روی زمین نیست و در زمان تبلیغات انتخاباتی به شکل خلق الساعه باشد، ناظر به نیازهای تبلیغاتی است و فردای انتخابات هم هیچ سازوکاری جز دادگاه افکار عمومی برای پیگیری آنها وجود ندارد.

ما و مساله شکاف ادراکی

غیر از فاصله حقیقی انتظار و واقعیت یا فاصله پدیده‌ها و هست‌ها، جامعه ما امروز درگیر مساله مهم‌تری هم هست، فاصله میان واقعیت و درک از واقعیت، فاصله میان هست‌ها و احساس جامعه از هست‌ها. هرچقدر دو مساله اول ناظر به وجوه سخت‌افزاری و کارکردی یک حاکمیت است، مساله سوم به وجوه نرم‌افزاری ماجرا برمی‌گردد. به این چند گزاره دقت کنید. در شاخص قدرت خرید رتبه ایران ۱۹ رتبه بهتر از هند، ۱۱ رتبه بهتر از برزیل و ۱۹ رتبه بهتر از آفریقای جنوبی است، در شاخص توسعه انسانی جایگاه ایران ۲۰ رتبه بهتر از چین، ۶۴ رتبه بهتر از هند و ۱۴ رتبه بهتر از برزیل است، در شاخص نرخ فقر مطلق درحالی که رقم آن در دنیا حدود ۱۰ درصد است این عدد در ایران نزدیک به ۴۰/۲ درصد تخمین زده شده، نرخ فقر مطلق در آمریکا سه‌برابر و در هند ۴۰ برابر ایران است.

اینها همه شاخص‌های روشن اقتصادی ایران به روایت مراکز معتبر جهانی هستند که ممکن است خواننده بعد از خواندن هر کدام از آنها پوزخندی به لب بزند! اما واقعا چرا؟

خطای رسانه‌ای عامل بازماندگی نادقیق واقعیت‌ها

در ایجاد چنین حسی و ساخت چنین فراواقعیتی، رسانه‌ها نقش مهمی دارند، در اینکه رسانه‌های جبهه معارض می‌خواهند مخاطب را به سوئی ببرند که نگاه هلی کوپتری به پدیده‌ها نداشته باشد و نقطه‌ای ببیند و در همان نگاه نقطه‌ای هم می‌خواهد فراواقعیتی سیاه‌تر از آنچه هست نشان بدهد، تردیدی نیست اما چه می‌شود که بعضاً این ترفند رسانه‌ای ساده میان بخش‌هایی از مردم موثر واقع می‌شود؟ یک عامل مهم این شکاف ادراکی بزرگ حتماً رسانه‌های رسمی ما هستند، رسانه‌هایی که آنها هم معمولاً از همان تکنیک نقطه‌ای دیدن رسانه‌های معارض استفاده می‌کنند، آنها هم مخاطب را به بینش و خوانش ماکروسکوپی، همه‌جانبه، منظومه‌ای و با بالا دعوت نمی‌کنند، گارد آنها هم بسته است، نقد درون‌گفتمانی را بر نمی‌تابند و قاب‌هایی را تصویربندی می‌کنند که در دوره هضم ذائقه مخاطب توسط شبکه‌های اجتماعی بیشتر به شوخی و فکاهی می‌ماند تا واقع‌بینی و واقع‌گرایی. در زمانه مهار کلان رسانه‌ها توسط رسانه‌های خرد، در دوره تبدیل مخاطب به مولف، در دوران تغییر معادله پیام و دوسویه‌شدن رابطه رسانه و مصرف‌کننده، در دورانی که نظام‌های لیبرال دموکرات هم ترجیح داده‌اند مخاطب را به‌جای مواجه کردن با روایت رسمی و تک‌روایت با انبوه روایات ظاهراً متضاد اما با مغز پیام یکسان رویه‌رو کنند، رسانه اگر در مرز واقعیت‌ها نباشد حتماً کارکردی جز تشدید شکاف ادراکی ندارد.

فاصله معنادار میان انتظارات و واقعیت‌ها در جامعه منجر به بروز نارضایتی می‌شود، تشدید و استمرار نارضایتی هم اعتراض را پدید می‌آورد،



محمد زعیم‌زاده
جانشین سردبیر

حال اگر در فرآیندی عادی، دموکراتیزه و کنترل‌شده این اعتراض‌ها انجام شود، می‌توان به تغییر مثبت برای کاهش بسترهای نارضایتی امیدوار بود. برای جامعه ما که در فاصله کمتر از دو سال یعنی از دی‌ماه ۹۶ تا آبان‌ماه ۹۸ به دلایل مختلف از جمله ناکارایی دولت روحانی دو رویداد اعتراضی را پشت‌سر گذاشته و هر دو هم مورد سوءاستفاده جریان‌های معارض برای کاهش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است، شناخت بسترهای اعتراضی اهمیت زیادی پیدا می‌کند. تشدید شکاف میان واقعیت‌ها و انتظارات در کشورمان طی سال‌های اخیر از سه طریق انجام شده است.

- ۱- ناکارآمدی در تبدیل فرصت‌ها به واقعیت‌های مثبت ملموس.
- ۲- افزایش غیرمعمول انتظارات.
- ۳- بازماندگی غلط واقعیت‌های جامعه و ایجاد فاصله میان ادراک عمومی و واقعیت‌ها.

بهبود شیوه‌های حکمرانی؛ اولین گام در تغییر به نفع واقعیت‌ها

اگر نگاه میکروسکوپی و نقطه‌ای را کنار بگذاریم و با نگاه هلی کوپتری و منظومه‌ای به واقعیت‌های جامعه ایرانی نگاه کنیم در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیستی و... طبق آمارهای جهانی، اوضاع ایران خوب است یا حداقل بد نیست اما حقیقت آن است که در برخی شاخص‌ها هم بنا به دلایل متعدد وضعیت چندان جالب نیست (در پرونده ویژه امروز سعی کرده‌ایم از هر دو مدل مثال‌های متنوعی بیاوریم)، شاخص‌هایی که حتماً راه ارتقای آن کتمان آنها نیست بلکه باید ابتدا تحلیل شوند بعد بدانیم که برای حل‌شان راه‌حل‌های یک‌خطی و ساده‌سازی شده وجود ندارد و بعد تلاش کنیم ایده‌ای نو داشته باشیم، ایده‌هایی وای آنچه تاکنون در حکمرانی پی گرفته‌ایم. طبیعی است اینکه این واقعیت‌ها کدامند و راه‌حل‌شان چیست، فعلاً محل بحث‌مان نیست و اینکه صورت‌مساله را قبول داشته باشیم فعلاً کفایت می‌کند.

میز مزایده انتخابات و چالش افزایش انتظارات

ساخت نادقیق سیاسی در رقابت‌های انتخاباتی را شاید بتوان مهم‌ترین عامل افزایش نامعقول انتظارات و افزایش شکاف میان انتظارات و واقعیت‌ها دانست، انتخابات‌های فردمحور و غیرحزبی از سطح شوراهای شهر و روستا گرفته تا مجلس و ریاست‌جمهوری اگرچه توانسته دموکراسی را به‌مثابه یک فرآیند در ایران قوام بخشد اما وجه آورده‌های دموکراسی در حوزه کارآمدی را با چالش جدی رویه‌رو کرده است. صورت‌مساله روشن است؛ در رقابت‌های انتخاباتی در سطوح مختلف افراد چه حامی ایده‌های مستقر باشند چه منتقد آنها، صحنه رقابت را به بازار مکاره و میز مزایده وعده‌های ناممکن بدل می‌کنند.

خیلی راه دوری نرویم، کلبه‌های شبه‌طنزی که این روزها از وعده‌های حسن روحانی و اسحاق جهانگیری در انتخابات‌های اخیر دست‌به‌دستی می‌شود نمونه بارزی از همین مساله است؛ وعده‌های بر زمین‌مانده‌ای که انباشت آنها روی هم به‌مثابه انباشت ناکارآمدی در وهله اول برای ایده مستقر است و در نهایت برای کلیت نظام کارکرد منفی